

## مناسبات میان معنویت و سبک زندگی مبتنی بر نظریه دو فطرت امام خمینی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

محمد حسن پور اصل کلشانی\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مناسبات میان معنویت و سبک زندگی مبتنی بر نظریه دو فطرت حضرت امام خمینی علیه السلام است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و در این راستا با استفاده از نظریه دو فطرت امام علیه السلام و لوازم آن، چارچوب تحلیلی مسأله مورد واکاوی قرار گرفت. در ادامه انواع سبک‌های زندگی بر اساس فطرت مخمور و محجوبه به دو گونه متعالی و متدانی تقسیم شد. نتیجه اینکه سبک زندگی متعالی که با حکومت قوه عاقله بر سایر قوای انسان (شهوویه، غضبیه، وهمیه) شکل می‌گیرد، رابطه تأثیر و تأثری با معنویت داشته و این دو با یکدیگر دور معی دارند. معنویت، شکوفا کننده و سامان‌بخش سبک زندگی مبتنی بر فطرت مخموره انسان بوده و بسترساز شکل‌گیری جامعه فطرت‌گرا است. از طرفی سبک زندگی فطری نیز بر معنویت انسان افزوده و باعث تعالی روحی و معنوی انسان می‌شود. در نهایت اینکه سبک زندگی فطرت‌محور و معنویت‌گرا در ابعاد فردی و اجتماعی سبب رشد و نمو انسان و اجتماع گشته و مقدمات ساختن مدینه فاضله را فراهم می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** معنویت، سبک زندگی، فطرت، نظریه دو فطرت، امام خمینی علیه السلام، فطرت

مخموره، فطرت محجوبه.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

انسان‌ها بر اساس نوع جهان‌بینی، باورها، علاقه‌مندی‌ها و انگیزه‌های مختلفی که دارند سبک‌های زندگی متفاوتی را برای خود برمی‌گزینند. گونه‌های سبک زندگی تابعی از متغیرهایی مانند هویت، فرهنگ، اقتصاد، مذهب، تعلیم و تربیت و... است. فراتر از نگاه‌های فردی به نوع سبک زندگی، مکاتب فکری مختلف مانند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، سوسیالیسم و... نیز بسته به مبانی خود هر یک، گونه‌ای خاص از سبک زندگی را برای بشر تصویر می‌کنند. از این‌رو در یک نگاه کلان می‌توان سبک زندگی انسان‌ها را با نگاه مبنایی به دودسته مادی و معنوی تقسیم کرد. سبک زندگی مادی، باهدف انتفاع حداکثری از عالم ماده همراه بوده و بر محور اومانیزم<sup>۱</sup> و ماتریالیسم<sup>۲</sup> می‌چرخد. سبک زندگی معنوی نیز مبتنی بر ایمان فطری به غیب (ایمان به خدا، معاد و...) بوده که درصدد تولید صفات نیکو، فضیلت‌های اخلاقی و عمل صالح از انسان است. این نوع سبک زندگی به بهره‌مندی معقول، منطقی و در حد اعتدال از متاع دنیوی نیز توجه دارد؛ اما آنچه هدف آن است، به‌جا آوردن بندگی خداوند از طریق یک زیست مطلوب معنوی

---

۱. اومانیزم، انسان‌سالاری، اصالت بشر، بشر‌سالاری یا خود‌بنیادی، مکتبی است که انسان را محور و مدار آفرینش قرار داده و با اصالت دادن به او، اصالت خدا، دین یا هر امر غیر بشری را نفی می‌کند. معنای اعم این اصطلاح عبارت است از نظام فلسفی، سیاسی، اقتصادی اخلاقی یا اجتماعی که هسته مرکزی آن انسان است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به مقاله رابرت جانسون؛ هدایت علوی تبار، «انواع اومانیزم»، *نشریه فرهنگ*، ۱۳۸۷، شماره ۶۵)

۲. ماتریالیسم از نظر لغوی به معنای ماده‌گرایی و این است که کسی به عوامل مادی بیش‌تر از عوامل معنوی، اهمیت دهد و مادیات را بیش‌تر باور کند. در این معنا، ماتریالیسم (Materialism) حالتی روانی است که آدمی را به امور معنوی بی‌توجه می‌سازد. ماتریالیست‌ها، وجود ماورای ماده را انکار می‌کنند و همه هستی را در انحصار ماده می‌انگارند. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به کتاب *فرهنگ شیعه*، تألیف شده توسط جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، زمزم هدایت، قم، صص ۳۹۷-۴۰۰)

است. در حقیقت اسلام همان طوری که به معنویت نظر دارد... به مادیات نیز نظر دارد. (صحیفه امام، ۲۱۹/۱۱)

اهمیت و ضرورت اتخاذ رویکرد معنوی در سبک زندگی، مقوله‌ای است که بارها توسط مقام معظم رهبری بیان شده است.<sup>۱</sup> برای نیل به تمدن نوین اسلامی ناگزیر از به کار بستن سبک زندگی اسلامی هستیم؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) آموزه‌های اسلامی مطابق با فطرت آدمی بوده<sup>۲</sup> و سرشت انسان با میل به کمالات، فضائل و اخلاق پسندیده عجین شده است. فطرت آدمی خود سرمایه به ودیعه نهاده شده از جانب خداوند در کالبد انسان است که شکوفایی آن، حیات طیبه<sup>۳</sup> را رقم خواهد زد. محرک و پیشران اصلی فطرت انسان‌ها برای ایجاد یک سبک زندگی متعالی، معنویت است.<sup>۴</sup> پی بردن به ابعاد، کارکرد و گستره‌ی معنویت در رقم زدن یک زیست مؤمنانه مبتنی بر فطرت آدمی و براساس آموزه‌های دینی اهمیت بسزایی در ترسیم نقشه راه زندگی آدمی از لحظه تولد تا لحظه مرگ دارد؛ چرا که سعادت یا ضلالت انسان‌ها در گرو آن است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی مناسبات میان معنویت و سبک زندگی مبتنی بر نظریه دو فطرت حضرت امام خمینی ره است. نظریه دو فطرت حضرت امام می‌تواند ابعاد این

---

۱. «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - این‌ها عبارة اخراجی یکدیگر است... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان؛ رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است؛ بنابراین مسأله، مسأله‌ی اساسی و مهمی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۷/۲۳)

۲. **سوره روم:** آیه ۳۰، «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیِّمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ»؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!

۳. «حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزلهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸)

۴. «بُعد معنویت و معناگرایی در انسان، همه‌ی ابعاد دیگر انسان را هدایت می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱)

مسأله را به صورت دقیق تبیین کند. پژوهش حاضر با رویکرد نظری به مقوله سبک زندگی، از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش استناددهی کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. چارچوب نظری و تحلیلی پژوهش حاضر نیز نظریه دو فطرت حضرت امام خمینی علیه السلام است.

## ۲-۱. پیشینه

مطالعات بسیاری پیرامون سبک زندگی و ارتباط آن با معنویت صورت گرفته است. ابراهیم برزگر و مسعود کریمی بیرانوند در پژوهشی با عنوان «نقش معنویت‌گرایی دینی بر سبک زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران» که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است به این نتیجه رسیده‌اند که معنویت‌گرایی دینی به‌عنوان یک گرایش و تلاش هدفمند در راستای اصول و چارچوب‌های معتبر تعریف شده توسط دین، به‌عنوان عاملی کلیدی در شکل‌گیری نوعی سبک زندگی سیاسی عمل می‌کند. این رویکرد، در نهایت، انسان‌ها را از زندگی ناپایدار، زودگذر و سطحی مادی به سوی حیات اصیل، جاودان و حقیقی معنوی هدایت می‌نماید. از این منظر، معنویت‌گرایی دینی نه تنها به‌عنوان یک عنصر فردی؛ بلکه به‌عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی، قابلیت ایجاد تغییرات عمیق در زندگی انسان‌ها و جامعه را داراست.

در پژوهشی دیگر، سید حسین شرف‌الدین در مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی با رویکرد معنوی» که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است معنویت برخاسته از دین را دارای ویژگی‌هایی مانند اخلاق بنیاد، فطرت‌پذیر، توحید محور، معاد اندیش، شریعت‌مدار، معقول، معتدل، زندگی‌ساز، شهوت‌گریز، مبتنی بر تفکر و تذکر، معرفت و محبت، عبادت و عبودیت، تهذیب و تزکیه نفس و... برشمرده است.

ابوالفضل احمدی و ابوالفضل ذوالفقاری در سال ۱۳۹۸ در پژوهشی با عنوان «سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» هسته مرکزی سبک زندگی اسلامی را منش اسلامی و عنصر معنویت را یکی از مؤلفه‌های برتر آن معرفی کرده‌اند.

غلامرضا گودرزی و همکاران نیز در پژوهشی در سال ۱۳۹۸ با عنوان «الگوی سبک زندگی از منظر ولایت فقیه: امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای علیه السلام» مؤلفه‌های الگوی سبک زندگی از منظر امامان انقلاب را در مقولات سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد دسته‌بندی کرده‌اند.

محمد نوبخت و همکاران در سال ۱۳۹۹، با بررسی «سبک زندگی انسان معنوی از منظر اسلام» به این نتیجه دست یافته‌اند که زندگی انسان معنوی معطوف به عشق، مشارکت، زایش و سازندگی خلاقانه است، نه متمرکز بر مالکیت مادی، قدرت و سلطه.

با بررسی پژوهش‌های پیشین پیرامون موضوع معنویت و سبک زندگی اسلامی محرز شد که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی از زاویه نظریه فطرت به این مسأله نپرداخته است. از این رو نوآوری پژوهش حاضر در این است که با نگاهی فطری به امر معنویت، درصدد بررسی رابطه آن با سبک زندگی اسلامی است. به عبارت دیگر این پژوهش به دنبال تبیین سبک زندگی معنوی مبتنی بر نظریه فطرت است که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

### ۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی، هدف اصلی؛ بررسی، تحلیل دلایل و علل وضعیت موجود یک مسأله و ابعاد مختلف آن است. در این فرآیند، پژوهشگر به دنبال تبیین و توجیه دقیق و

منطقی علل و عوامل مؤثر بر وضعیت مورد مطالعه است. برای دستیابی به این هدف، وجود یک تکیه‌گاه استدلالی قوی ضروری است. این تکیه‌گاه از طریق بررسی دقیق ادبیات موجود و مباحث نظری مرتبط با تحقیق به دست می‌آید و شامل تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی است که به درک عمیق‌تر مسأله کمک می‌کند. در نتیجه، پژوهشگر می‌تواند با استناد به این مبانی نظری، استدلال‌های خود را تقویت کرده و به تحلیل جامع‌تری از موضوع بپردازد.

در این تحقیق با مراجعه به منابع و مآخذ در دسترس ابتدا مفاهیم موجود در این بحث (معنویت، سبک زندگی، فطرت) توضیح داده شد. سپس با استفاده از چارچوب نظریه‌ی دو فطرت حضرت امام خمینی علیه السلام - که از آثار ایشان به دست آمد - و از طریق روش مذکور، مناسبات میان معنویت و سبک زندگی مبتنی بر فطرت (تأثیر متقابل میان معنویت و سبک زندگی فطری) بررسی شد.

## ۲. مفاهیم و چارچوب نظری

### ۲-۱. مفاهیم

#### ۲-۱-۱. معنویت

«معنویت» یکی از مفاهیم پیچیده و چندبعدی است که به دلیل تنوع خاستگاه‌ها، گونه‌ها، ابعاد و اهداف آن، زمینه‌ساز بروز دیدگاه‌های متنوع توصیفی و تحلیلی شده است. این مفهوم به‌طور قابل توجهی بسته به نگرش فرد نسبت به جهان و فلسفه زندگی، معانی متفاوتی پیدا می‌کند. برخی از پژوهشگران بر این باورند که معنویت به‌عنوان یک نظام از بینش‌ها و گرایش‌های روحی و باطنی تعریف می‌شود که می‌تواند در قالب‌های مختلفی چون دین، اخلاق، عرفان، تصوف و رهبانیت تجلی یابد. همچنین، معنویت می‌تواند در عرصه‌های هنری نظیر ادبیات و موسیقی و نیز در قالب جنبش‌های ادبی، فرهنگی و اجتماعی ظهور کند. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۶۸-۲۶۹)

در فرهنگ‌های فارسی، مفهوم «معنوی» به‌عنوان امری مرتبط با معنا و حقیقت، در تقابل با جنبه‌های مادی، صوری، ظاهری و لفظی قرار می‌گیرد. این مفهوم به‌عنوان یک واقعیت حقیقی، اصلی، مطلق و روحانی شناخته می‌شود که تنها از طریق قلب و احساسات عمیق انسانی قابل درک است و زبان و کلام در انتقال آن، از توانایی کافی برخوردار نیستند. از این رو، «امر معنوی» به مجموعه‌ای از جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان و نیز محصولات فکری و خلاقانه او اطلاق می‌شود. (دهخدا ۱۳۷۳، ذیل واژه؛ انوری، ۱۳۸۲، ذیل واژه)

واژه «معنویت» یک ارتباط عمیق با «معنا» دارد. در اینجا، «معنا» به وضعیتی اشاره می‌کند که شامل دولایه اصلی است: لایه اول، ظاهر یا نمایان و لایه دوم، باطن یا محکی. تمامی دیدگاه‌های مطرح شده، با وجود تفاوت‌های ظاهری، در دو نکته اساسی مشترک هستند: نخست اینکه معنا به‌طور پنهان در باطن یک بیان یا عمل مستتر است و نیاز به کشف دارد. دوم اینکه معنا به‌نوعی با نظام اعتقادی و اهداف مرتبط با یک عمل خاص پیوند دارد. (مصباح، ۱۳۹۳: ۳۸)

از منظر برخی صاحب‌نظران، معنویت با مفهوم پویایی و کمال انسانی ارتباط دارد. این دیدگاه بر این باور است که معنویت شامل شناخت متعالی، اعتقاد به غیب و احساس رشد و بالندگی است. این فرایند به انسان کمک می‌کند تا از پیچیدگی‌های زندگی عبور کرده و زندگی خود را بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و الوهی سامان دهد و پیوسته وجود این حضور را در دل و جان خود درک کند. این بُعد وجودی انسان ذاتی و فطری است و از طریق اجرای مناسک و تمرینات دینی تقویت و ارتقا می‌یابد. (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

علاوه بر این، برخی پژوهشگران معتقدند که غایت معنویت به‌نوعی در تعریف آن جلوه‌گر است؛ معنویت به‌عنوان باورها، رفتارها و اعمالی تعریف

می‌شود که انسان‌ها را به‌سوی خداوند و نیروهای ماورایی هدایت می‌کند. این حرکت به‌سوی تکامل و بلوغ انسانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود وی را تشکیل می‌دهد؛ چرا که انسان به دنبال واقعیت‌های معنوی برای تکامل خود است. (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸)

## ۲-۱-۲. سبک زندگی

درباره مفهوم سبک زندگی تعریف‌های متعددی وجود دارد. به‌اختصار این تعریف‌ها - با توجه به غلبه رویکرد جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی - به سه دسته کلی تقسیم می‌شود:

دسته اول: مجموعه تعریف‌هایی که سبک زندگی را از جنس رفتارها دانسته و ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد را از دایره مفهوم سبک زندگی خارج می‌دانند؛ البته نه به این معنا که مقولات ذهنی هیچ دخالتی در شکل‌دهی به سبک زندگی ندارند؛ بلکه به این معنا که تمایز رفتارها محور شناخت سبک زندگی است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۷) این دسته از تعریف‌ها خود به دو قسم تقسیم شده‌اند:

۱. تعریف بر مبنای الگوی مصرف: سبک زندگی بر اساس این مبنای شیوه‌ای است که مصرف‌کننده، بدان طریق، خرید می‌کند و کالای خریداری شده را مصرف می‌کند. (همان: ۶۷)

۲. تعریف بر مبنای سامان کلی زندگی: سبک زندگی طبق این مبنای، فعالیت‌هایی است که فرد یا گروه در آن‌ها مشارکت می‌کند. (همان: ۶۹)

دسته دوم: تعریف‌هایی که بر اساس جمع رفتار و ذهنیت‌اند. این نوع تعاریف به‌وضوح وجه روان‌شناختی داشته و بیشتر نوعی نظریه‌پردازی درباره شخصیت آدمی است. سبک زندگی به این معنا اختصاص به ویژگی فرد دارد.

مشخصه‌های این تعریف عبارت‌اند از: فرد به‌عنوان کنشگر نه واکنشگر، قصدمندی، هدف‌دار بودن، وحدت، سازگاری درونی و منحصر به فرد بودن فرد و تعین ذهنی کنش‌های آدمی. (همان: ۷۲)

دسته سوم: تعریف‌هایی که بر اساس قدرت نمادها هستند. (همان: ۷۵) براساس این دیدگاه، سبک زندگی مجموعه‌ای از نمادها است که نقش فعالی در فرایند کسب پرستیژ ایفا می‌کنند. مشخصه این دیدگاه درباره سبک زندگی، «سازوکارهای تأیید» است؛ یعنی نمادها بازتاب‌کننده واقعیتی که ادعا می‌کنند نیستند؛ بلکه سازوکارهای تأیید این مدعا را مشروعیت می‌بخشند؛ برای مثال هر تحصیل‌کرده‌ای عالم نیست؛ اما مدارک دانشگاهی و نظامی که مشروعیت این مدارک را تأیید می‌کنند، پشتوانه‌ای برای ادعای عالم بودن است. (همان: ۷۶)

در رویکرد غالب اندیشمندان داخلی و همچنین در مبانی مطرح شده توسط مقام معظم رهبری (عجله الله تعالی فرجه)، مفهوم «سبک زندگی» عمدتاً جنبه‌های تجویزی، توصیه‌ای و دستوری دارد. طبق این رویکرد، سبک زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای جامع از شیوه‌ها، الگوها، رویه‌ها، قواعد، رسوم، هنجارها و چارچوب‌های فرهنگی تعریف می‌شود که جامعه به‌منظور ساماندهی به اراده‌ها، انتخاب‌ها و نظام رفتاری افراد در زمینه‌های مختلف زیستی از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی خود بهره‌برداری کرده است. به‌وضوح، این نوع سبک زندگی حاکی از ماهیت ارزشی و هنجاری آن است و به‌عنوان یک نظام از بایدها و نبایدهای رفتاری و حکمت عملی شناخته می‌شود که از جهان‌بینی و گفتمان غالب فرهنگی یک جامعه ناشی می‌گردد. این درک نه تنها به تبیین ساختارهای رفتاری افراد در سطوح مختلف زندگی کمک می‌کند؛ بلکه به تحلیل چگونگی شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز منجر می‌شود. (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۷۷)

مهم‌ترین مفهومی که با مفاهیم هویت و سبک زندگی ارتباطی تنگاتنگ دارد، ارزش است. ارزش‌های انسان، حکم روح و هویت حقیقی فرد را دارد که انسان به عشق آن‌ها زندگی می‌کند و با دل‌بستگی به آن امور حرکت و پویایی دارد. ارزش‌های انسان همچون روح، عامل اتصال و یکنواختی زندگی آدمی است که در پس همه تنوع‌ها و تغییرات سلولی در اجزاء مادی زندگی، مایه ثبات و وحدت شخصیت آدمی و عامل هویت‌بخشی است. از این‌رو در سبک زندگی باید به‌عنوان فرآیندی که با تمام ابعاد و زوایای زندگی و با کلی‌ترین مسائل فکری و عقلی تا جزئی‌ترین موضوعات رفتاری انسان ارتباط دارد مورد توجه قرار گیرد.

در منطق اسلام، سطح ثابت زندگی به فطرت انسان بستگی دارد و سطح متغیر آن به طبیعت او؛ زیرا انسان از دو سطح فطرت و طبیعت برخوردار است؛ فطرت به نحوه هستی روح انسان اطلاق می‌شود و طبیعت به اقتضائات جسم و حیات مادی انسان تعلق می‌گیرد؛ لذا جمع میان این دو سطح از مهم‌ترین مباحث سبک زندگی و از ذخایر اندیشه ناب اسلامی است.

### ۳-۱-۲. فطرت

واژه فطرت از ماده فطر در لغت به معنای خلقت، شکافتن، گشودن، ابداع و اختراع آمده است. (ابن فارس، ۱۴۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۱) و این واژه به‌طور خاص به فرآیند آفرینش اشاره دارد که پرده عدم را می‌شکافد و وجود را به ظهور می‌آورد. به همین دلیل، می‌توان معنای اصلی فطرت را به‌عنوان «خلقت» در نظر گرفت.

امام خمینی ره با استناد به کتب لغت، دو معنا برای فطرت بیان کرده و این دو را به یک معنا بازمی‌گرداند. به عبارتی، ایشان تصریح می‌کند که واژه فطرت به معنای خلقت است و می‌تواند از ریشه «فطر» به معنای شکافتن و پاره کردن

ناشی شده باشد؛ زیرا آفرینش به نوعی پاره کردن پرده عدم به شمار می‌آید (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۷۹)؛ بنابراین، از منظر امام خمینی علیه السلام، معنای لغوی فطرت به معنای خلقت است. (همان: ۱۷۹) بنابراین معنای لغوی فطرت از نگاه امام راحل به معنای خلقت است؛ البته توجه به این نکته نیز مناسب است که گفته‌اند بین واژه فَطْر و خَلَق تفاوت است و فَطْر آفرینش ابداعی و بی‌سابقه و خَلَق عام است. (رافعی، اصفهانی، ۱۳۹۱: ۵۷۰)

امام خمینی علیه السلام در بررسی حقیقت و واقعیت فطرت، به سه نکته بنیادین و حائز اهمیت اشاره می‌کند:

۱. فطرت از سنخ هستی است: فطرت به‌عنوان یکی از لوازم وجود موجودات، از معقولات ثانی فلسفی به شمار می‌آید و ماهیت آن حد و رسم ندارد. بلکه فطرت به نوع خاصی از هستی انسان اشاره دارد که در نهاد و اصل طینت او، بینش و گرایش خاصی نهفته است. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

## ۲. ویژگی‌های فطرت

- فراگیر و همگانی: هر انسان، صرف‌نظر از نژاد، ملیت، منطقه جغرافیایی و زبان فرهنگی، با این خاصیت ذاتی سرشته شده است. به همین دلیل در آیه شریفه آمده است: «فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» (روم، ۳۰) به معنای عدم اختصاص آن به طایفه‌ای خاص است.

- ثبات و پایداری: فطرت ثابت و پایدار است و دستخوش تغییر و زوال نخواهد شد. به همین دلیل در آیه شریفه می‌خوانیم: «لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ». (روم، ۳۰)؛ (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۸۱)

- بدیهی بودن احکام فطرت: احکام فطرت از بدیهی‌ترین بدیهیات به شمار می‌آیند و هیچ فردی نمی‌تواند برخلاف آن‌ها باشد. به‌عنوان مثال، عشق به کمال مطلق، خیر و سعادت مطلق در طینت تمامی انسان‌ها، از

جمله سعید و شقی، عالم و جاهل، نهفته است. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که در تمامی انسان‌ها، باوجود اختلاف‌های فکری، فرهنگی و مذهبی، هیچ فردی وجود ندارد که به کمال و خیر و سعادت عشق نداشته باشد؛ بنابراین، احکام فطرت از بدیهی‌ترین امور و اوضح واضحات به شمار می‌روند و اگر چیزی چنین نبود، از فطریات نخواهد بود. (همو، ۱۳۹۱: ۷۷)

۳. **امور فطری و ذات انسان:** امام خمینی رحمته‌الله بر این باور است که امور فطری به‌عنوان ذاتی انسان به شمار می‌آیند، البته نه به معنای ماهیت بلکه به معنای هویت. از آنجا که امر فطری همراه ذات انسان است، در مقام ثبوت نیازی به دلیل ندارد؛ اما در مقام اثبات ممکن است مورد غفلت قرار گیرد و نیاز به تنبه و اثبات داشته باشد؛ بنابراین، در حالیکه اعتقاد به وجود خدا، امری فطری و ذاتی است، در مقام اثبات باید با اقامه دلیل و برهان مورد توجه قرار گیرد. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸۰-۱۸۱)

## ۲-۲. چارچوب نظری؛ نظریه دو فطرت حضرت امام خمینی رحمته‌الله

از منظر امام خمینی رحمته‌الله دو نوع فطرت مخموره و محجوبه وجود دارد که فطرت مخموره نیز خود به دو بخش اصلی و تبعی تقسیم می‌شود. فطرت مخموره:

دو فطرت الهیه بوده که یکی تنفر از نقص و ناقص است و دوم عشق به کمال و کامل است و این دو که یکی اصلی ذاتی و دیگری تبعی ظلی است، از فطرت‌هایی است که تمام عائله بشری بدون استثنای احدی بدان مخمرند. (همو، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

از این‌رو صاحبان فطرت مخموره مسیر اصلی کمال انسانی را در تمام عرصه‌های زندگی طی می‌کنند و در این مسیر باهم متفق و همراه هستند.

نوع دوم، فطرت محجوبه نام دارد و از منظر امام خمینی علیه السلام عارضان به حجاب‌های نفسانی و طبیعی بر مبنای فطرت محجوبه؛ کمال و سعادت را به ناحق در مادیات و زیاده‌خواهی‌های شیطنی تشخیص داده‌اند:

آن وحشی خون‌خوار آدمکش، کمال را به آن داند که غلبه پیدا کند به جان و عرض مردم و خون‌خواری و آدم‌کشی را کمال تشخیص داده و بدان صرف عمر کند و آن دنیاطلب جاه و مال خواه، کمال را به مال و جاه داند و عشق به آن دارد. بالجمله، صاحب هر مقصدی، مقصد خویش را کمال و صاحب آن مقصد را کامل داند و عشق به آن دارد و از غیر آن متنفر است. (همو، ۱۳۹۴: ۱۱۷)

آن فطرت مخموره پاک در اثر حجاب‌ها تبدیل به فطرتی می‌شود که انسان‌ها را در سرایشی‌های دنیاپرستی و شیطان‌پرستی غوطه‌ور خواهد کرد؛ چرا که خاصیت آن بی‌نهایت طلبی است. پس جمیع شرور که در این عالم از این انسان بی‌چاره صادر شود، از احتجاب فطرت؛ بلکه از فطرت محجوبه است و خود فطرت به واسطه اعتناق و اکتناف آن به حجاب‌ها، شریت بالعرض پیدا کرده و شریر شده است، بعد از آنکه خیر بوده است. (همو، ۱۳۷۷: ۸۲)

در نتیجه، شر، ظلم و ستم‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بر همین مبنا تحقق می‌یابد. به این ترتیب دو نوع حرکت در مسیر فطرت انسان‌ها محقق می‌شود. حرکت کمالی بر اساس «الگوی متعالیه که محصول جنود عقل و مبتنی بر فطرت مخموره بوده و حرکت سرایشی بر اساس الگوی متدانیه که محصول جنود جهل و فطرت محجوبه است». (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ۷) بر همین اساس اهل آخرت و اهل دنیا هر کدام مسیری را برای رسیدن به حبّ فطری کمال در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انتخاب می‌نمایند.

جدول ۱. نظریه دو فطرت حضرت امام خمینی علیه السلام

خصوصیت			رویکرد نسبت به عالم	انواع فطرت
فطرت عشق به کمال		اصلی	توجه به عالم غیب و روحانیت	فطرت مخموره
فطرت تنفر از نقص		تبعی		
عشق به کمال غیر حقیقی و تنفر از نقص غیر حقیقی	نفس بهیمی	قوه شهوت	توجه به عالم شهادت و طبیعت	فطرت محجوبه
	نفس سبعی	قوه غضب		
	نفس وهمی	قوه شیطنت		

۲-۲-۱. لوازم نظریه دو فطرت امام خمینی علیه السلام

از لوازم نظریه دو فطرت مخموره و محجوبه، قوای موجود در وجود انسان است. قوا و توانایی‌های انسانی به تدریج و به ترتیبی خاص در فرد شکل می‌گیرند. در این فرآیند، نخستین قوه‌ای که به وجود می‌آید، قوه شهوت است. در این مرحله، ممکن است قوه غضب نیز به‌طور ضعیف ظهور کند. با گذر زمان، قوه غضب تقویت می‌شود و به تدریج قوه واهمه شکل می‌گیرد که در برخی موارد به آن قوه شیطنت نیز اطلاق می‌شود.

همه این قوا، هر یک به نوبه خود، ارزشمند و ضروری هستند، به‌عنوان مثال، نبود قوه شهوت می‌تواند بقای نوع بشر را به خطر بیندازد. همچنین، قوه واهمه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا بدون وجود تدبیر و برنامه‌ریزی، انسان نمی‌تواند به‌درستی در امور خود عمل کند و زندگی‌اش را سامان دهد. در واقع، این قوا به‌عنوان ابزارهایی برای مدیریت زندگی و مواجهه با چالش‌های آن، نقش کلیدی در پیشرفت و بقای انسان ایفا می‌کنند. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۶۵-۳۶۶)

### ۱-۱-۲-۲. قوه عاقله

در اسلام از عقل به عنوان حجت درونی نام برده شده است. «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجَّتَيْنِ: حِجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حِجَّةَ بَاطِنَةٍ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرَّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأئِمَّةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ». (حرعاملی، بی تا: ۲۰۷/۱۵) خدا بر بندگان خود دو حجّت دارد: حجّتی بیرونی و حجّتی درونی؛ حجّت بیرونی همان پیامبران و امامانند و حجّت درونی عقل مردمان است.

امام علیه السلام عقل را به دوشاخه عقل نظری و عملی تقسیم می کنند و با اینکه معتقدند، غایت هر دو یکی است ولی کمال انسان را به عقل عملی می داند. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳/۳۴۱) علامه طباطبایی رحمته الله علیه عقل عملی را نیرویی می داند که می تواند میان خیر و شر و نافع و ضار تفکیک کند و تسلیم هواهای نفسانی نشود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳/۱۵۶)

### ۲-۱-۲-۲. قوه شهویه

از فضائل قوه شهوت؛ عفت و شرافت و از رذایل آن؛ جاه طلبی و پست همتی است. امام خمینی علیه السلام درباره جاه طلبی قوه شهویه می فرماید:

کسی که دارای حب جاه و ریاست است و این حب، ملکه نفسانیه و شاکله روح او شده است، غایت آمال او رسیدن به آن مطلوب است و افعال صادره از او تابع آن غایت است و داعی و محرک او همان مطلوب نفسانی است و اعمال او برای وصول به آن مطلوب از او صادر گردد. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۳۰)

قوه شهویه معتدله در تشکیل و حفظ نظام خانواده، نظام مدینه فاضله و تربیت نفوس مدخلیت تام دارد و ابقای شرافت و سعادت دنیا و آخرت به سبب این قوه است. (لک زایی، ۱۳۹۴: ۱۲۳)

### ۳-۱-۲-۲. قوه غضبیه

قال الصادق علیه السلام: الغضب مفتاح کل شر؛ خشم کلید تمامی شرور است. (کلینی، ۱۳۷۰: ۲/۲۰۳) در شرح حدیث امام صادق علیه السلام غضب به عنوان یکی از نعمات الهی شمارش شده و مؤثر در تشکیل نظام جامعه است. امام خمینی ره در این باره می فرماید:

قوه غضبیه یکی از نعمات بزرگ خداوند است که به واسطه آن، تعمیر دنیا و آخرت شود و مدخلیت عظیم در تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

### ۴-۱-۲-۲. قوه وهمیه

در تعالیم اسلامی قوه وهم به عنوان سلطان قوای ظاهری و باطنی بدن نامیده شده است. بدان که وهم، سلطان قوای ظاهره و باطنه نفس است. (طوسی، ۱۳۷۵: ۲/۳۴۵) حکومت قوه وهم بر دیگر قوا از جمله تصرفات شیطان است. «پس اگر وهم حکومت نمود در آنها به تصرف خود یا شیطان، این قوا جنود شیطان گردند و مملکت در تحت سلطنت شیطان واقع شود.» (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۶) تسلط شیطان بر بیشتر مردم نیز از این رهگذر است؛ شیطان قوای بدنی را مسخر خود می گرداند، خصوصاً قوه وهمیه را. (صدر المتألهین، ۱۳۵۴: ۱۹۷) ویژگی مهم قوه وهم این است که در منازعه دائم و همیشگی با قوه عاقله است. ملاصدرا در این باره می گوید: در انسان چیزی هست که با عقل منازعه می کند و آن وهم است. (همان: ۲۴۹) امام ره درباره منازعه بین عقل و وهم می فرماید:

انسان میدان جنگ این دو طایفه است: اگر جنود رحمانی غالب شد، انسان از اهل سعادت و رحمت است و در سلک ملائکه منخرط و در زمره انبیا و اولیا و صالحین محشور است و اگر جنود شیطانی و لشکر جهل غالب آمد، انسان از اهل شقاوت و غضب است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۵)

## ۲-۲-۲. تاثیر فطرت در سبک زندگی

### ۲-۲-۲-۱. تبعیت سبک زندگی از قوای فطری

اگر سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد؛ سبک زندگی فطری؛ مجموعه رفتارها و کنش‌هایی است که مبتنی بر ارزش‌های فطری انسان بنا شده است تا گام به گام در مسیر سعادت و تعالی قرار بگیرد. از این‌رو، این طرز تلقی از سبک زندگی ریشه‌ای عمیق در وجود و هویت حقیقی آدمی دارد که بر اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد از زندگی و حیات سایه می‌افکند و زندگی روزمره او را معنایی متعالی می‌بخشد و انسان را از روزمرگی خسته کننده و تکرار مکررات نجات می‌دهد به نحوی که لحظه به لحظه حیات در حال نو شدن و صیوروت وجودی است.

در این سبک، ظواهر و روبناهای زندگی مانند شیوه پوشش، تنوع غذایی، نوع خودرو، سبک معماری منزل، میزان و تنوع مصرف، انواع سرگرمی و نیز رفتارهای اجتماعی مانند عادت‌ها و رسوم، شیوه برخورد و سخن گفتن، شیوه برپایی مراسم و جشن‌ها و بسیاری از موارد دیگر نیز با فطرت هماهنگ می‌شوند و سمت و سوی حیات آدمی را فطری می‌کنند؛ لذا انسان دچار تضاد درونی و پارادوکس دنیا و آخرت؛ لذت و حکمت؛ شهوت و معنویت و معیشت و ابدیت نخواهد شد.

بر اساس نظریه دو فطرت، جنود عقل به‌عنوان لشکر فطرت مخموره و لشکر جهل به‌عنوان لشکر فطرت محجوبه شمرده شده و بدین گونه سبک زندگی، نظام فضائل و رذایل اخلاقی بر اساس این نظریه ترسیم می‌شود.

در سبک زندگی متعالی، ترسیم تمامی فضائل اخلاقی نشئت گرفته از فطرت مخموره انسان و حب به کمال بوده و در مقابل، در سبک زندگی دانی، تمامی رذایل اخلاقی مانند نفاق، خدعه، مکر، کبر، ریاست‌طلبی به منشان فطرت محجوبه انسان بازمی‌گردد.

زیربنای سبک زندگی بر پایه دستیابی به راهکار ملکه شدن خُلقیات نفسانی در درون انسان است، به نحوی که تمامی فضائل اخلاقی مفطور بر فطرت مخموره برای انسان حاصل شود. این ملکه شدن از طریق غلبه بر قوای حاکم در فطرت محجوبه از طریق قوه حاکم (قوه عاقله) بر فطرت مخموره است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که غلبه پیدا کردن قوه عاقله بر این سه قوا سخت است؛ چرا که قوه عاقله در بدن، بعد از قوای سه‌گانه حاصل می‌شود و این غلبه پیدا کردن سخت، در نتیجه این امر است. علت آن، این است که قوه عاقله باید طوری مستقر شود که بقیه قوا را تحت تسخیر حکومت خود درآورد و حال آنکه این قوا از قبل مستقر شده‌اند و خودشان را در نفس انسان با تمام توابع گسترانده‌اند؛ پس غلبه بر آن‌ها مشکل است. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳/۳۶۶-۳۶۵)

بر این اساس هشت نوع از سبک زندگی را شاهد هستیم که فقط یک مورد آن متعالی و بقیه آن‌ها متدانی و ناقص هستند. انواع سبک زندگی بر اساس نظریه دو فطرت حضرت امام علیه السلام و قوای وجودی انسان در جدول زیر آمده است.

## جدول ۲. انواع سبک زندگی بر اساس نظریه دو فطرت امام خمینی علیه السلام

تنظیم روابط بر اساس برادری و هموعی	دارای جهت گیری الهی، معنویت گرا، خیر خواهانه، غیر خواهانه و عدالت گرایانه	انسان تحت حکومت قوه عاقله است.	سبک زندگی متعالی (مبتنی بر فطرت مخموره) + (وجهه به عالم غیب و روحانیت)	انواع سبک زندگی بر اساس نظریه دو فطرت
تنظیم روابط بر اساس کام جویی	دارای جهت گیری لذت گرایانه و خودخواهانه	انسان تحت حکومت قوه شهویه است	سبک زندگی متدانی (مبتنی بر فطرت محجوبه) + (وجهه به عالم شهادت و طبیعت)	
تنظیم روابط بر اساس سلطه جویی	دارای جهت گیری غیر الهی، خودخواهانه، ظالمانه و سلطه گرایانه	انسان تحت حکومت قوه غضبیه است.		
تنظیم روابط بر اساس فریبکاری	دارای جهت گیری ضد الهی، خودخواهانه و مکارانه	انسان تحت حکومت قوه وهمیه است.		
تنظیم روابط بر اساس سلطه جویی و کام جویی	دارای جهت گیری غیر الهی، ظالمانه، سلطه گرایانه، خودخواهانه و لذت گرایانه	انسان تحت حکومت قوه های شهویه و غضبیه است.		
تنظیم روابط بر اساس کام جویی و فریبکاری	دارای جهت گیری ضد الهی، مکارانه، خودخواهانه و لذت گرایانه	انسان تحت حکومت قوه های شهویه و وهمیه است.		

تنظیم روابط بر اساس سلطه‌جویی و فریبکاری	دارای جهت‌گیری ضدالهی، خودخواهانه، مکارانه، ظالمانه و سلطه‌گرایانه	انسان تحت حکومت قوه‌های غضبیه و وهمیه است.	
تنظیم روابط بر اساس سلطه‌جویی، فریبکاری و کام‌جویی	دارای جهت‌گیری ضدالهی، مکارانه، ظالمانه، خودخواهانه، لذت‌گرایانه و سلطه‌گرایانه	انسان تحت حکومت قوه‌های شهویه، غضبیه و وهمیه است.	

از میان گونه‌های مختلف سبک زندگی، سبک زندگی متعالی - که بر اساس فطرت مخموره و با تسلط قوه عاقله بر مملکت وجود انسان تجلی می‌یابد - با معنویت و امور معنوی سنخیت و رابطه تأثیر و تأثری دارد. در ادامه به بررسی این رابطه پرداخته خواهد شد.

## ۲-۲-۲-۲. تأثیر معنویت بر سبک زندگی با فطرت مخموره (سبک زندگی متعالی)

انسان در مسیر کمال فطری خود و به تبع آن، تنفر از نقص و کمبود، نمی‌تواند جلوه‌های معنویت توحیدی و سیر و سلوک معنوی را در زندگی فردی و اجتماعی خود نادیده بگیرد. نادیده گرفتن این جنبه‌ها به معنای نقص در حرکت کمالی اوست و با فطرت ذاتی و کمال طلبی الهی او در تضاد قرار دارد. به عبارت دیگر، فطرت توحیدی انسان به‌طور طبیعی با معنویت پیوند خورده است. حرکت کمالی به‌سوی خداوند یگانه که در فطرت اولیه و نهفته انسان ریشه دارد، از طریق عبور از دنیای مادی به‌سوی جهان آخرت به تکامل می‌رسد.

از سویی دیگر، معنویت به عنوان جوهر و مفهوم زندگی، به منزله جان و روح جهان تلقی می‌شود. نیازهای معنوی، از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی به شمار می‌روند و ریشه در فطرت انسان دارند. بدون برآورده سازی این نیازها، دستیابی به کمال و سعادت انسانی ممکن نیست. به همین دلیل، توجه به ابعاد معنوی زندگی نه تنها الزامی بلکه ضروری است تا انسان بتواند در مسیر کمال و رشد واقعی گام بردارد؛ بنابراین «اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پایین‌تر رود، انسان دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷) بر این اساس «معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

این گونه می‌توان گفت که «تعالی و بهجت معنوی و آرامش و آسایش روانی، زمینه‌ساز عروج به معارف والای ملکوتی انسان است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷) معنویت اسلامی، در شکل جامع و کامل خود، به عنوان یک نظام اخلاقی بنیادین و فطرت پذیر شناخته می‌شود که بر اساس اصول توحید، معاد و شریعت استوار است. این نوع معنویت نه تنها معقول و معتدل است؛ بلکه به زندگی سازنده و پرمعنا می‌انجامد. ویژگی‌های بارز آن شامل گریز از شهوت، رد خرافات و پوشش‌های ظاهری و مقابله با جهالت و غفلت است.

معنویت اسلامی همچنین به عنوان یک رویکرد فعال در برابر انزوا، رخوت و دنیا‌گریزی شناخته می‌شود. این نظام معنوی بر پایه تفکر و تذکر، معرفت و محبت، تعقل و تعشق، خلوص و اخلاص، عبادت و عبودیت و همچنین تهذیب و تزکیه نفس و عقل شکل می‌گیرد. اطاعت‌پذیری و الگوگیری از انسان

کامل معصوم عليه السلام، از دیگر اصول بنیادین این معنویت به شمار می‌رود. بدون تردید، این نوع معنویت را می‌توان تنها در ادیان الهی و به‌ویژه در کامل‌ترین آن‌ها یعنی اسلام مشاهده کرد. اسلام به‌عنوان دین جامع، تمامی ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد و با ارائه قانون اساسی تکامل، برنامه‌ها و روش‌های جامع برای سلوک سعادت‌مندان، به توصیف و توصیه تمامی نیازهای معناگرایانه و کمال‌جویانه بشر می‌پردازد. (ر.ک: رودگر، ۱۳۸۸)

موطن معنویت اسلامی، هر چند که در عمق باطن و ساختار درونی انسان قرار دارد؛ اما این معنویت به‌موازات رشد و شکوفایی، تمامی ابعاد زندگی و ساحت‌های زیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارت دیگر، این نوع معنویت نه تنها به جنبه‌های فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه در صورت وجود شرایط مناسب، می‌تواند از طریق افراد و جوامع به گستره حیات جمعی و سطوح مختلف زندگی اجتماعی نیز تسری و تعمیم یابد. این ویژگی باعث می‌شود که معنویت اسلامی به‌عنوان یک نیروی محرکه در تحول اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی جمعی عمل کند و در نتیجه، به بهبود روابط انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک نماید. به این ترتیب، رشد معنوی فردی و اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خورند و به یک فرآیند متقابل تبدیل می‌شوند که در آن هر دو جنبه به یکدیگر کمک می‌کنند.

در آیین مقدس اسلام، نظام زندگی به‌گونه‌ای طراحی شده است که زندگی اجتماعی و مادی انسان به‌عنوان گهواره‌ای برای پرورش زندگی معنوی او عمل می‌کند. نورانیت معنوی فرد مسلمان که به اجرای دستورات اسلامی پایبند است، به‌گونه‌ای است که تمامی اعمال فردی و اجتماعی او را نورانی و پاک می‌سازد. این فرد در حالیکه در جمع مردم حضور دارد، ارتباط عمیق و معنوی با خدای

خود را حفظ می‌کند و در میان جمع، به خلوتگاه راز و نیاز خود می‌رود. در عین حال که او در جستجوی اهداف مادی و مشغول فعالیت‌های روزمره است، با چالش‌های شیرین و تلخ، گوارا و ناگوار، زیبا و زشت این دنیا مواجه می‌شود؛ اما در درون خود، دلی آزاد و آرام دارد و در جهانی از سکون و آرامش زندگی می‌کند. او در هر مسیری که گام برمی‌دارد، جز روی خدای خود، چیزی نمی‌بیند و این بینش عمیق، او را در مواجهه با حوادث پرآشوب زندگی یاری می‌کند. به این ترتیب، زندگی مادی و معنوی او به‌طور هم‌زمان درهم تنیده شده و به رشد و کمال او کمک می‌کند.

یک فرد مسلمان متعهد، زندگی معنوی خود را در تمامی جوانب زندگی مادی خود گسترش می‌دهد. او در هر مکان و در هر فعالیتی که مشغول است، با خداوند خود ارتباط برقرار می‌کند و هر عمل ساده‌ای برای او به منزله آینه‌ای است که جمال الهی را به وی منعکس می‌کند. در مقابل، افرادی که به دنبال زندگی معنوی هستند، غالباً زندگی عادی و طبیعی خود را به‌عنوان مانعی در برابر حقیقتی که جستجو می‌کنند، تلقی می‌کنند. این درک نادرست آن‌ها را به ترک زندگی روزمره وادار می‌سازد و آن‌ها را به اتخاذ راه‌های غیرمتعارف و غیرعادی برای دستیابی به کمال روحی و معنوی سوق می‌دهد، مشابه رهبانان مسیحی، برهمنان هندی و مرتاضان جوکی. این تمایز در رویکرد، نشان‌دهنده تفاوت در فهم معنویت و ارتباط آن با زندگی روزمره است و اهمیت یکپارچگی این دو بعد را در مسیر رشد و تعالی انسانی برجسته می‌کند. (طباطبایی ۱۳۸۸: ۳۵/۱؛ همچنین ر.ک: مطهری، ۱۳۸۰: ۲۹۳/۳)

محوریت ایمان به خدا و توحید (اصلی‌ترین منبع معنویت) همه ساحت‌های وجودی انسان و دنیای فردی و اجتماعی او را متأثر می‌سازد. به نظر برخی از محققان، حقیقت الحقایق، وجود خداوند است. در این نگرش، تمامی موجودات

و پدیده‌های عالم اعم از کلمات، آثار و افعال، به نوعی تجلی و اثر خداوند به شمار می‌آیند. شناخت عمیق و درست از خداوند به‌طور طبیعی به عشق و محبت نسبت به او و آثارش منجر می‌شود. از این‌رو، ایمان مبتنی بر معرفت، محبت را به وجود می‌آورد؛ محبتی که به دو صورت اصلی تجلی می‌کند: محبت به خداوند و محبت به مخلوقات. محبت به خداوند در قالب عبادت و اطاعت از او بروز می‌یابد و محبت به مخلوقات از طریق خیرخواهی و خدمت به دیگران خود را نشان می‌دهد.

بدین ترتیب، ارتباط و هماهنگی میان سه بعد اساسی وجود انسان؛ یعنی معرفت (بینش)، عاطفه (گرایش) و عمل (کنش) تأکید می‌شود. این ابعاد نه تنها به‌صورت مستقل وجود دارند؛ بلکه به یکدیگر وابسته‌اند و در تحقق یک زندگی معنوی و متعالی نقش اساسی ایفا می‌کنند. (فناپی اشکوری، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

معنویت، به‌عنوان یک مسیر واسطه‌گر، سبب شکوفایی فطرت مخموره انسان و فراهم آوردن سبک زندگی روحانی و معنوی است. این بُعد از وجود انسانی با تنوع آثار مثبت خود می‌تواند تغییرات عمیقی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به وجود آورد.

ابتدا، معنویت به اعتلای وجودی و استکمال نفسانی افراد کمک می‌کند و از این طریق موجب معنایابی و هدفمندی زندگی می‌گردد. این درک عمیق‌تر از زندگی و اهداف متعالی، به انسان کمک می‌کند تا مسیر روشنی را در زندگی خود انتخاب نماید. معنویت همچنین افق‌های تازه‌ای از نگرش‌ها و بینش‌های فردی را گشوده و به تصحیح اشتباهات فکری کمک می‌کند. در نتیجه، تجربه‌های معنوی موجب افزایش حس رضایت و خرسندی از زندگی می‌شود و ارتباط با بُعد معنوی، بهبود سلامت جسمی و روانی را به همراه دارد.

این بُعد به ارتقاء آرامش و طمأنینه روحی کمک می‌کند و از طریق تقویت نشاط و شادابی، امید به زندگی را در انسان‌ها احیا می‌سازد. معنویت زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن استعدادها و خلاقیت‌های فردی به نحو مؤثری شکوفا می‌شوند. همچنین، با کاهش استرس و اضطراب و افزایش توانایی خودکنترلی در مدیریت هیجانات منفی، معنویت به بهبود قابلیت‌های فردی کمک می‌کند. یکی دیگر از آثار بارز معنویت، افزایش روح تعهد و مسئولیت‌پذیری است که موجب می‌شود افراد در پی مشارکت در اقدامات نوع خواهانه و بشردوستانه باشند. این روحیه، نه تنها آماده‌سازی روحی برای ادای تکالیف و انجام وظایف را تقویت می‌کند؛ بلکه به افزایش وجدان کاری و پایبندی به معیارهای اخلاقی منجر می‌گردد. در محیط‌های سازمانی، نتایج معنویت به بهبود بهره‌وری و افزایش تعهد سازمانی منجر خواهد شد.

معنویت به‌عنوان یک عنصر بنیادین در زندگی انسانی نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی کمک می‌کند؛ بلکه تأثیرات مثبتی بر جامعه و شکل‌گیری جامعه سالم و مسئولیت‌پذیر نیز به همراه دارد. معنویت به‌عنوان نیروی شگرف، انسان را به حرکت از سمت مبدأ دنیایی و مادی به سوی هدفی والا و الهی سوق می‌دهد. این روند بنیادی آثار بی‌ظنیری را در زندگی فرد به همراه دارد که به‌روشنی نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت بُعد معنوی وجود انسان است.

از جمله نتایج این حرکت، دستیابی به سلامت روحی است که در قرآن کریم به «قلب سلیم» توصیف شده است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پایه و بنیان تعالی و تکامل روحی، موجد مراحل مختلفی است که فرد را به تجربه‌های معنوی عمیق‌تری رهنمون می‌سازد. به علاوه، معنویت، گشایش مسیرهایی نوین برای دریافت معارف الهی و روزی‌های معنوی را فراهم

می‌آورد، از طریق کشف، شهود و همچنین بصیرت‌یابی باطنی یا قدرت تشخیص حق که از مجاری عادی فراتر می‌رود.

با پیگیری این حرکت، فرد به حیات طیبه‌ای دست می‌یابد که در آن؛ طهارت روحی و کمال نفسانی او، به واسطه استعدادش برای بهره‌مندی از انواع روزی‌های مادی و معنوی پاکیزه، تسهیل می‌شود. این فرآیند نه تنها به دریافت امداد غیبی منجر می‌گردد؛ بلکه امکان مشاهده خداوند و عالم ملکوت را با چشم دل فراهم می‌آورد. در این حالت، فرد می‌تواند به درک عمیق‌تری از حقیقت وجود و ارتباطات معنوی دست یابد و به‌نوعی از آگاهی و بینش دست یابد که او را در مسیر کمال و رشد بیشتر هدایت می‌کند. علاوه بر این، درک حقیقت و نیل به درجاتی از یقین، از دیگر دستاوردهای این سفر معنوی است. در مرتبه‌اعلی، این مسیر فرد را به مقام فوز، فلاح، رضوان و سعادت می‌رساند و در نهایت به وصول به قرب الی‌الله، نزدیک‌تر می‌سازد. بدین ترتیب، معنویت نه تنها محرکی برای حرکت فطری انسان به سمت معرفت و دریافت الهی است؛ بلکه در شکل‌گیری هویت انسانی و تعالی زندگی روحی وی نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

### ۳-۲-۲. تأثیر سبک زندگی بر معنویت مبتنی بر فطرت مخموره

یک بُعد لطیف معناگرا در هر انسانی وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱) و نسبت معنویت با زندگی همچون نسبت روح با بدن است، (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۳) پس معنویت با پرداختن به اصول مادی کار و تنظیم درست کار، منافات ندارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶) معنویت‌گرایی به معنای تمایل انسان به شکوفایی استعدادهای فطری و حرکت به سوی مصالح و کمالات وجودی است. این حرکت که به نوعی جوهری و نه مکانی است، به معنای ترک عالم ماده نیست.

در واقع، می‌توان گفت که معنویت‌گرایی یک فرآیند انباشتی است که در آن با ارتقاء به مراتب بالاتر وجودی، همچنان به مراتب ضعیف‌تر وجودی (عالم ماده) نیز تسلط داریم. به این ترتیب، حرکت به سوی معنویت نه تنها انسان را از دنیای مادی جدا نمی‌کند؛ بلکه او را قادر می‌سازد تا با درک عمیق‌تری از وجود، به تعامل با آن ادامه دهد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸۴)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت «مسأله اصلی زندگی، درخشش روزافزون جوهره معنوی انسان و افزایش تقوا و قرب الهی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۱/۲۵)

معنویت‌گرایی مستلزم گذر از پوسته ظاهری و اعتباری زندگی مادی به سوی باطن حقیقی عالم معناست؛ این سفر به نوعی به فرآیند «خداگونه شدن» انسان اشاره دارد. در این راستا، انسان می‌کوشد تا به واقعیت‌های عمیق‌تری از وجود و حقیقت دست یابد؛ اما باید توجه داشت که این حرکت به هر طریقی به مقصد نخواهد رسید؛ بلکه برای این سفر آسمانی، برنامه‌ریزی و نقشه راهی دقیق و علمی ضرورت دارد.

در این زمینه، مأموریت و کارکرد دین به وضوح تعریف می‌شود. دین به‌عنوان یک نظام معنوی و اخلاقی نه‌تنها به انسان‌ها در شناسایی مقاصد والای معنوی یاری می‌دهد؛ بلکه الگویی برای رفتار و عمل در این مسیر فراهم می‌آورد. دیانت، با ارائه تعالیم و دستورالعمل‌های خاص، مسیر تعالی و شکوفایی معنوی را برای پیروان خود هموار کرده و آن‌ها را در این سفر عرفانی هدایت می‌کند. در نتیجه، دین به‌عنوان یک ابزار ناگزیر و حیاتی در دستیابی به اهداف معنوی و عرفانی، نقشی محوری ایفا می‌کند و انسان را در عبور از سطوح ظاهری زندگی به تجربیات عمیق‌تر و الهی یاری می‌رساند. «اسلام مکتب تحرک است و قرآن کریم کتاب تحرک، تحرک از طبیعت به غیب، تحرک از مادیات به معنویت.» (صحیفه امام، بی‌تا: ۲۹۱/۸)

## مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

معنویت خیلی مهم است... و مثل یک باران رحمتی است که بر یک بوستان متنوعی ببارد؛ هم حیات‌بخش بوستان است، هم طراوت‌بخش و جلوه‌بخش بوستان است. وقتی باران می‌بارد، صرفاً این نیست که زندگی می‌دهد به بخش‌های مختلف این بوستان؛ بلکه به آن زیبایی هم می‌دهد، جلوه هم می‌دهد، طراوت هم می‌دهد، آن را در چشم‌ها عزیز هم می‌کند؛ باران معنویت این [جور] است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰)

بنیاد تمامی اصول اخلاقی و منطق آن‌ها و به عبارتی ریشه و سرچشمه تمامی معانی و ارزش‌های معنوی، ایمان مذهبی به خداوند است. مفاهیمی چون کرامت، شرافت، تقوا، عفت، امانت، راستی، درستکاری، فداکاری، احسان و همچنین صلح و سازش با دیگران، به همراه حمایت از عدالت و حقوق بشر، همگی از جمله ویژگی‌های انسانی به شمار می‌روند که توسط افراد و ملت‌ها ارج نهاده می‌شوند؛ حتی کسانی که به این ویژگی‌ها دسترسی ندارند، معمولاً تلاش می‌کنند تا خود را به داشتن آن‌ها متصف کنند. در واقع، تمامی این فضایل براساس اصل ایمان به خداوند بنا شده‌اند و این ایمان، زیربنای هر نوع تفکر معنوی به حساب می‌آید. (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۳، ۷۶۱-۷۶۲) توحید؛ برجسته‌ترین باور در سبک زندگی فطری، زیربنای همه معارف و معنویت‌هاست. ثمره توحید؛ اخلاص، زهد، اطاعت و بندگی خدا، رعایت تقوا و ایمان، اخلاق نیک، اجرای عدالت، امر به معروف و نهی از منکر است. (ملکیان، ۱۳۹۰)

زندگی فطری به‌عنوان الگویی متعادل، در تعامل سالم و مؤثر جنبه‌های زمینی (ناسوتی) و ملکوتی (فرشته‌خویی) انسان شکل می‌گیرد. این تعادل نه تنها موجب رشد و شکوفایی تمامی ابعاد وجودی انسان می‌شود؛ بلکه از بروز زندگی کاریکاتوری و ناقص‌جلوگیری می‌کند. در حقیقت، همه قوای انسانی به میزان ضروری و لازم یکدیگر را یاری می‌رسانند تا انسان به سعادت و کمال دست یابد.

سبک زندگی فطری، در واقع، شامل توجه به چندین عنصر کلیدی است که می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی فردی و اجتماعی کمک کند. این عناصر شامل غربت نفس، مفتوح بودن باب ملکوت، تعادل و اعتدال، خودشناسی، تقویت اندیشه و دانش و تقید به اصول شرعی است.

علاوه بر این، روح دلسوزی و غم‌خواری برای مردم و همچنین تمایل به صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی، از اصلی‌ترین ملاک‌ها و معیارهای این سبک زندگی به‌شمار می‌آیند. در نهایت، هدف نهایی این سبک زندگی، وصال و لقاء باری تعالی است که می‌تواند به‌عنوان اساس و محور زندگی معنوی و فطری انسان محسوب شود. بدین ترتیب، زندگی فطری به انسان کمک می‌کند تا هر دو بُعد وجودی خود را به‌طور متوازن و سازنده در مسیر کمال و سعادت ادغام کند.

مؤمن برای نیل به کمال معنوی، علاوه بر اعتقاد و ایمان به برخی اصول، عمل خود را نیز باید بر پایه قواعد و احکام شریعت و بایدها و نبایدهای فقهی اخلاقی آن مبتنی سازد. (سبک زندگی شریعتمدارانه) در حقیقت معنویت فارغ از دین و جدای از دین از اساس، معنویت نیست، توهّم است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۸/۰۶) از این‌رو است که شریعت به‌عنوان تجلی اراده الهی، نقش حیاتی در هدایت زندگی انسان در ابعاد خصوصی و عمومی دارد. این نظام حقوقی و اخلاقی به‌طور جامع، رفتارهای بشری را راهنمایی می‌کند و تمامی وجوه حیات انسان را در برمی‌گیرد. شریعت با در نظر گرفتن تمام جوانب اعمال انسانی، به زندگی قداست می‌بخشد و حتی به فعالیت‌های به‌ظاهر دنیوی، معنای دینی و روحانی می‌دهند.

به وسیله شریعت، انسان قادر است به زندگی روزمره اش معنا و عمق معنوی ببخشد و این زندگی را به یک مرکز معنوی متصل کند. در واقع، شریعت به عنوان ابزاری کارآمد عمل می‌کند که از طریق آن، توحید در زندگی بشری تحقق می‌یابد و بدین ترتیب، روح دین در بطن حیات روزمره انسان، درک و زندگی می‌شود. این نظام مقدس، به انسان‌ها کمک می‌کند تا در راستای اصول و ارزش‌های اسلامی زندگی کرده و اهداف والای معنوی و اجتماعی خود را دنبال نمایند. (نصر و رحمتی ۱۳۸۲: ۱۲۶ و ۱۳۱؛ همچنین ر.ک: نصر، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

در سبک زندگی مبتنی بر فطرت، انسان به عنوان موجودی که به درک عمیق‌تری از هستی نائل آمده است، به تمامی عالم به عنوان آیه و نشانه‌ای از خداوند می‌نگرد. او طبیعت، جهان و محیط‌زیست را مخلوق خداوند کریم می‌داند و از این واقعیت دل‌خوش و شادمان است که در جهانی زندگی می‌کند که متعلق به پروردگارش است. این جهان نه تنها آفریده‌ای از سوی خالق است؛ بلکه تحت تدبیر و مدیریت او قرار دارد.

علاوه بر این، تفکر و اندیشه‌ورزی در مورد طبیعت و چگونگی آفرینش آن، زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تری از جهان می‌شود. با تدبر در مظاهر طبیعی و محیط‌زیست، انسان به نشانه‌های الهی پی می‌برد و این آیات الهی او را به یاد آفریننده‌اش می‌اندازند. این فرآیند مشاهده و تأمل، همواره موجب ارتقاء نگرش فرد نسبت به هستی می‌گردد و او را در مسیر شناخت عمیق‌تر از وجود و خالقش هدایت می‌کند. در این راستا، انسان به طور مداوم در حال ارتقاء و تحول در نگرش خود نسبت به جهان است و این نگرش به عنوان یک عامل کلیدی در تحقق زندگی معنوی و فطری او عمل می‌کند. این سبک زندگی، نه تنها به فهم عمیق‌تری از آفرینش می‌انجامد؛ بلکه موجب تقویت ارتباط انسان با خالق خود نیز می‌شود.

«ما بایستی برجستگی‌های جامعه را در خدمت معنویت انسان قرار بدهیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۶) از این‌رو زندگی انسان معنوی به‌طور عمده معطوف به عشق، مشارکت و زایش خلاقانه است و نه بر محور مالکیت مادی، قدرت و سلطه. این نوع زندگی، به‌جای تمرکز بر دارایی‌های مادی و تسلط بر دیگران، بر تعاملات انسانی و رشد جمعی تأکید دارد.

انسان معنوی به‌طور عمیق و مستمر به اصلاح خود می‌پردازد. در این راستا، تمامی همت و تلاش او معطوف به شناخت و بهبود وضعیت ذهنی، روانی، اخلاقی و معنوی خویش است. او به‌دقت درمی‌یابد که در کدام مرحله و مرتبه از رشد و تعالی قرار دارد و چه اقداماتی برای ارتقاء خود و بهبود کیفیت زندگی‌اش ضروری است.

این رویکرد، نه‌تنها به فرد کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از خود برسد؛ بلکه او را به‌سوی یک زندگی معنادارتر و متعالی‌تر هدایت می‌کند که در آن عشق و همکاری با دیگران به‌عنوان ارزش‌های اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، انسان معنوی به‌جای جستجوی قدرت و تسلط، در پی ایجاد روابط معنادار و سازنده با دیگران است و به‌طور مستمر در تلاش است تا به یک نسخه بهتر از خود تبدیل شود.

## نتیجه‌گیری

سبک زندگی فطری و معنوی که ناشی از فطرت مخموره و تحت هدایت قوه عاقله انسان است، در واقع بخشی از حرکت کمالی محسوب می‌شود که ابعاد جسمی و روحی انسان را هم‌زمان در برمی‌گیرد. این سبک زندگی به‌عنوان یک مسیر رشد و تعالی، فرد را به فضائل اخلاقی هدایت می‌کند؛ فضایی چون تسلیم در برابر اراده الهی، جلب رضایت ربوبی، تحقق عدالت، تواضع، تقوا، تهذیب نفس و تعهد به اصول اخلاقی و اجتماعی. در این راستا، انسان با پیروی از چنین سبک زندگی، می‌تواند ارتباط خود را با خداوند و دیگران بهبود بخشد و به‌طور هم‌زمان، زمینه‌های رشد شخصیت و توسعه روحی خود را فراهم آورد. این رویکرد به زندگی، نه تنها به فرد کمک می‌کند تا به اهداف معنوی خود نزدیک‌تر شود؛ بلکه تأثیرات مثبتی را بر جامعه و زندگی جمعی نیز به همراه دارد. در نتیجه، سبک زندگی فطری و معنوی به‌عنوان یک الگوی جامع و یکپارچه، انسان را در مسیر تحقق هویت حقیقی خویش و دستیابی به کمال و سعادت رهنمون می‌سازد. در حیات اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه معنوی فطرت‌محور می‌شود که مدینه فاضله را به ارمغان می‌آورد. چنین حرکتی، مستلزم مراقبت و کنترل سایر قوای آدمی (قوه شهویه، غضبیه، وهمیه) است تا غبار حجاب‌ها بر فطرت مخموره نشسته و آن را مبدل به فطرت محجوبه نکند؛ چراکه اگر این اتفاق بیفتد، انسان به موجودی مادی، قدرت‌طلب، سلطه‌جو، ظالم، شهوت‌ران، خودخواه، مکار و... تبدیل می‌گردد. اجتماع چنین انسان‌هایی، سبک زندگی متدانی و حیوان‌گونه را رقم می‌زند. از این رو برای رهایی از چنین افراد و جامعه‌ای، فطرت مخموره آدمی نیازمند معنویت است. معنویت، سایر

امور انسان را هدایت کرده و سبک زندگی انسان مخمر به فطرت الله را بیش از پیش شکوفا می‌کند و از این طریق سبب می‌شود انسان هر آینه خود را در محضر خداوند حاضر یافته و روابط خود با خویشتن، طبیعت و سایر انسان‌ها را به بهترین وجه مطلوب، سامان بخشد. سبک زندگی فطرت‌گرایانه، خود بستر تعالی معنوی انسان‌ها را فراهم می‌آورد. در ظرف این سبک زندگی، انسانی ساخته می‌شود که در هر لحظه آن، توجه به معنا موج می‌زند؛ بنابراین می‌توان این‌گونه گفت که معنویت و سبک زندگی فطرت‌محور، در اصطلاح، دور معی با یکدیگر داشته و اثر متقابل دارند.

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم.

۱. ابن فارس. (۱۴۱۰ق)، معجم مقائیس اللغة، بیروت: الدار الاسلامیة.
۲. اردبیلی، عبدالغنی. (۱۳۸۱)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. انوری، حسن. (۱۳۸۲)، *فرهنگ روز سخن*، تهران: سخن.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵)، *عرفان و حماسه*، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (بی تا)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت للإحياء التراث.
۶. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱)، *تقریرات فلسفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چ ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *نبوت از دیدگاه امام خمینی*، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *آداب الصلاة*، چ ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *شرح جهل حدیث*، چ ۵۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. دهخدا، علی اکبر و همکاران. (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، چ ۱، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۱)، *مفردات راغب*، قم: دارالمعروف.

۱۴. رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۸)، *سیر و سلوک در قرآن*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۵. شرف‌الدین، سید حسین. (۱۳۹۶)، «سبک زندگی با رویکرد معنوی، دو فصلنامه پژوهش‌نامه سبک زندگی، شماره ۳۴.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴)، *المبدأ و المعاد. تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی*، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸)، *بررسی‌های اسلامی*، به‌کوشش: سید هادی خسروشاهی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. عزیزی، فریدون و همکاران. (۱۳۹۳)، *سلامت معنوی*، تهران: حقوقی.
۲۰. غباری بناب، باقر و همکاران. (۱۳۸۶)، *هوش معنوی، فصلنامه اندیشه نوین دینی*، شماره ۳، (۱۰).
۲۱. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، ج ۱، قم: نشر صبح صادق.
۲۲. فنایی اشکوری، محمد. (۱۳۸۴)، *بحران معرفت، نقد عقلانیت و معنویت تجدیدگرا*، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۲۳. قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد. (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنبیها*، شرح و تحقیق: خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشرالبلاغه.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۰)، *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسوه.
۲۵. گولد، جولیوس؛ ویلیام. ل. کولب. (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، جمعی از مترجمان، تهران: مازیار.
۲۶. لک‌زایی، نجف. (۱۳۹۲)، *مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی ره*، *آفاق امنیت*، سال ۸، شماره ۲۶.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی ره*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۸. مصباح، مجتبی. (۱۳۹۳)، *سلامت معنوی از دیدگاه اسلام*، ج ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰)، *مجموعه آثار*، ج ۳، چ ۸، تهران: صدرا.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *مجموعه آثار*، ج ۲۳، چ ۱، تهران: صدرا.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *آزادی معنوی*، ج ۲۳، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چ ۳، تهران: صدرا.
۳۲. ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی اخلاق سلسله درس‌های گفتاری*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۳۳. نصر، حسین. (۱۳۸۲)، *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران: جامی.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، *قلب اسلام*، ترجمه: محمدصادق خرازی، چ ۴، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
۳۵. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)